

سازمان ملل متحد به عنوان یک نهاد ارگانیکی در تغییر واقعیات جهان

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469

Online ISSN: 2717 – 1477

ISC.SID.NOORMAGZ.MAGIRAN
GOOGLESCHOLAR.ENSANI
www.jaml.ir

سال ۱۴۰۴، سال ششم، شماره ۲۲،

صفحات ۲۰-۱

دکتر حسین رستم زاد استاد یار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

امیرعباسقلی زاده بنام دانشجوی دکتری تخصصی حقوق بین الملل عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه (نویسنده مسئول)

چکیده

به گواهی تاریخ جهان قبل از تاسیس سازمان ملل متحد در آشوب و جنگ‌های مهیبی غوطه ور بود و با حمله ارتش ورمخت آلمان به لهستان و درگیر شدن دیگر قدرت‌ها در اروپا به یکباره متمدن‌ترین قاره جهان به کانون مناقشات و نسل‌کشی‌ها و بمباران‌های هولناک متفقین و دول محور علیه یکدیگر مبدل شد ولی در نهایت جنگ با شکست متجاوزین سرسخت آلمانی، ایتالیایی و ژاپنی خاتمه یافت و مقرر شد که با تشکیل کنفرانس‌های بین‌المللی متعدد نظیر کنفرانس ملل متحد و یالتا و سانفرانسیسکو شالوده سازمان بین‌المللی بنا نهاده شود که قادر به حفاظت جدی از صلح و امنیت بین‌المللی باشد و از میزان مخاصمات مسلحانه بکاهد و اختلافات را به صورت مسالمت آمیز حل و فصل کند و چنین نیز شد. اما به یکباره با تاسیس حق وتو باز هم معادلات به ضرر سازمان ملل متحد و حقوق بین‌الملل به هم خورد و هر دو نهاد سیاسی و حقوقی آسیب‌های جدی را متحمل شدند. در عین حال سازمان ملل متحد در موضوعات غیر سیاسی موفق عمل نموده و ماحصل آن دریافت جوایز صلح نوبل در سال‌های گذشته است اما در معادلات سیاسی، سازمان ملل متحد به اجبار از متن به حاشیه رانده شد و این اعضای دائم شورای امنیت بودند که به عنوان هیئت مدیره دهکده جهانی، واقعیات جهان را شکل دادند. روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی است و نتایج تحقیق ثابت می‌کند سازمان ملل متحد به عنوان یک نظام خودبسنده در تغییر واقعیات جهان از تراژدی به کمدی کامیاب بوده و جهانی از پشتیبانی را به سوی خود جلب نموده است.

واژگان کلیدی: سازمان ملل متحد، شورای امنیت، مجمع عمومی، معادلات سیاسی، مواضع حقوقی

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID,
Noormags, Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

Year 2025 ,Sixth year ,Issue
22

Pages 1-20

The United Nations as an organic entity in transforming global realities

Hosein Rostamzad

Assistant Professor at Islamic Azad University, Central Tehran Branch

Amir Abbasgholizadeh
Benam

Ph.D. Candidate in Public International Law, Islamic Azad University, Maragheh Branch
(Corresponding Author)

Abstract

According to historical evidence, the world before the establishment of the United Nations was engulfed in chaos and devastating wars. With the Wehrmacht's invasion of Poland and the involvement of other European powers, the most civilized continent on Earth suddenly became the epicenter of conflicts, genocides, and horrifying bombings carried out by both the Allies and the Axis powers. Ultimately, the war ended with the defeat of the aggressive forces of Germany, Italy, and Japan. It was then decided that through a series of international conferences—such as the United Nations Conference, the Yalta Conference, and the San Francisco Conference—the foundations of an international organization would be laid, one capable of seriously safeguarding international peace and security, reducing armed conflicts, and resolving disputes peacefully. And to a large extent, this goal was achieved. However, with the sudden introduction of the veto power, the balance shifted against both the United Nations and international law, causing serious damage to these political and legal institutions. Despite this, the United Nations has been successful in non-political areas, as evidenced by its receipt of several Nobel Peace Prizes in recent years. Yet, in political matters, the UN has been increasingly marginalized, with the permanent members of the Security Council effectively acting as the board of directors of the global village, shaping the realities of the world. This paper adopts a descriptive-analytical methodology, and the findings demonstrate that the United Nations, as a self-sustaining system, has succeeded in transforming global realities from tragedy to comedy, thereby attracting widespread international support.

Keywords: United Nations, Security Council, General Assembly, political dynamics, legal positions

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

بدون شک یکی از مهمترین مکاتبی که در باب تحول نظام بین‌المللی قلم فرسایی کرده است مکتب انگلیسی یا مکتب جامعه بین الملل است. مطابق دیدگاه این مکتب جامعه بین‌المللی مرکب از دولت‌هایی است که شکل دهنده نظام بین‌المللی هستند و از اهداف، ارزش‌ها و نهادهای مشترک بین ملل جهان حمایت می‌کنند. نظم عمومی بین‌المللی، پرهیز از جنگ و حرکت به سوی رعایت موازین حقوق بشر حداقل‌های این نظام جدید و نوظهور تلقی می‌شوند. این نوع نگرش مبتنی بر اندیشه‌های مارتین وایت است که به نوعی خردگرایی آنیز محسوب می‌شوند. از نظر او روابط بین‌الملل تحت تاثیر سه نوع دیدگاه سنتی است که شامل دیدگاه ماکیاولی، کانتی و گروسیوسی است. از نگاه ماکیاولی به هر حال در محیط پرتنش روابط بین‌الملل بایستی در حال تکاپو بود اما دیدگاه کانت حرکت به سوی نظم نوین و جدیدی است که اقتضای جامعه بین‌المللی است و با نظم سنتی ناکارآمد بایستی وداع کرد. اما در سنت گروسیوسی بایستی به هر دو مورد بالا توجه کرد و آمیزه‌ای از هر دو پدید آورد. در سنت ماکیاولی به لحاظ فقدان هر نوع توافق میان دولت‌ها نمی‌توان انتظار تحقق جامعه بین‌المللی را داشت و صلح جهانی پیوسته در حال تهدید است و دولت‌ها با اینکه از جنگ متنفر هستند با این حال ترجیح می‌دهند که به سرعت و با توسل به زور به سرعت اختلافات خود را حل و فصل کنند و بدون توجه به منافع دیگر کشورها فقط پیگیر منافع خود باشند. مطابق سنت خردگرا با لحاظ روند همزیستی بین

دولت‌ها امکان ندارد که جنگ رخ دهد هرچند که قدرت برتر از دولت‌ها وجود ندارد که به مانند فرمانروایان کشورها، حکمرانی کند و تعامل اقتصادی و اجتماعی میان کشورها تحکیم کننده مبانی نظر مکتب خردگرایی گروسیوسی است. با این حال نمی‌توان از این حقیقت فرار کرد که نمی‌توان از جامعه بین‌المللی انتظار معجزه را داشت و تصور کرد که مثلاً سازمان ملل متحد بتواند تمام مشکلات را حل و فصل کند و تعاملات تجاری و دیپلماتیک می‌تواند تا حد قابل قبولی به جامعه بین‌المللی مدنیت ارزانی دارد و بین کشورها احترام متقابل، مدنیت و حاکمیت قانون حکمفرما باشد ضمن آنکه نظام بین‌المللی به شدت نیازمند یک نظم نوین بین‌المللی است که توافق شد که سازمان ملل متحد به عنوان یک نهاد ارگانیک عهده‌دار تحقق این آرمان حیاتی باشد (بعیدی نژاد، دریایی و علی آبادی، ۱۳۸۴، ۳۱ تا ۲۹).

اصولاً طبیعت و ساختار حقوق بین‌الملل به نحوی است که ایجاب می‌کند که وارد هر مسئله‌ای شود و با لحاظ حل مشکلات موجود دهکده جهانی، صلاحیت دولت‌ها را تا حدی محدود کند و تلاش سازمان ملل متحد آن است که هر روز بر استثنائات صلاحیت دولت‌ها بیفزاید و حضور سازمان ملل متحد را پررنگ‌تر کند. از دیدگاه منشور بسیاری از موضوعات از صلاحیت دولت‌ها خارج هستند و بایستی تحت نظارت جامعه بین‌المللی باشند و همانطور که دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری مقرر کرده است برخی از مسائل صرفاً مربوط به حقوق بین‌الملل است و از صلاحیت انحصاری دولت‌ها خارج است از جمله حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، فعالیت‌های

² Rationalism

¹ Martin Wight

ژرژسل معتقد بود که بایستی جامعه بین‌المللی بیش از همه در تدارک حقوق شهروندان دهکده جهانی باشد زیرا اصلی‌ترین تابعان حقوق بین‌الملل هستند و همانطور که لئون دوگی استدلال کرده است همبستگی اجتماعی مهمترین مبنای هر نظام حقوقی به ویژه سازمان ملل متحد باید باشد (فلسفی، ۱۳۷۵، ۲۱۶).

توماس فرانک معتقد بود که سازمان ملل متحد به چهار دلیل مهم از مشروعیت دموکراتیک و ارگانیک برای حفاظت از منافع جهانی کشورهای عضو برخوردار است که عبارتند از: قاطعیت^۱، اعتبار نمادی^۲، انسجام^۳ و وفاداری^۴ (امینی، ۱۳۸۹، ۱۹۵).

و لازمه استمرار این ساختار ضرورت تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل است که مجمع عمومی این وظیفه مهم را طبق ماده ۱۳ منشور به کمیسیون حقوق بین‌الملل واگذار کرده است (شهبازی، ۱۳۹۱، ۸۶) و خوشبختانه نگرانی دولتها از مشارکت سازمان ملل متحد در امور داخلی آنها و نظارت بر عملکرد دولتها هم اکنون کاهش یافته است (کمالی نژاد، ۱۳۹۱، ۲۴۴) صدها کنوانسیون بین‌المللی در زمینه‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و حقوق فضای ماورای جو، حقوق تجارت بین‌الملل، حقوق دریاها، حقوق معاهدات، حقوق دیپلماتیک و کنسولی، تروریسم و مصونیت دولتها به تصویب سازمان ملل متحد رسیده است (زمانی، ۱۳۹۱، ۲۸۵). مهمترین موفقیت سازمان ملل متحد تنظیم قواعد مربوط به توسل به زور است که باعث حل و فصل

هسته‌ای، اداره سرزمین‌های غیر خودمختار و دهها موضوع دیگر که جایگاه رفیعی در حقوق بین‌الملل دارند. با این حال بسیاری از موضوعات تحت صلاحیت انحصاری دولتها هم اکنون وارد حوزه صلاحیت سازمان ملل متحد شده و سازمان ملل متحد به عنوان یک نهاد دموکراتیک و ارگانیک با لحاظ موازین حقوق بین‌الملل خدمات ارزنده‌ای را به جامعه بین‌المللی عرضه می‌کند. در این صورت نمی‌توان مشارکت سازمان ملل متحد را به حساب مداخله گذاشت و مصوبات آنها را غیر معتبر یا فاقد الزام حقوقی معرفی کرد. قرار نیست دولتها با لحاظ آزادی کامل از اجرای موازین حقوق بین‌الملل طفره روند و نسبت به تعهدات منشور ملل متحد بی‌تفاوت باشند. در عین حال اقدامات تنبیهی سازمان ملل متحد به عنوان فشار بر حاکمیت کشورها برای اجرای موازین منشور نبایستی کاربرد حقوقی زور تلقی شود و این شورای امنیت است که در موضوعات سیاسی نقش قاضی بی‌طرف را ایفا می‌کند. اصولاً ساختار سازمان ملل متحد به نحوی است که برای حل و فصل اختلافات و افزایش میزان رعایت موازین حقوق بین‌الملل به تفاسیر مترقیانه از منشور متوسل شده تا سیاست‌های جهانی با موازین منشور مطابقت یابد و از هر نوع تهدید صلح و امنیت بین‌المللی اجتناب شود. حداقل مواد ۳۹ تا ۴۲ منشور کاملاً در این راستا تدوین شده‌اند تا نظم عمومی بین‌المللی را تحت حفاظت خود قرار دهند (افتخار جهرمی، ۱۳۷۵، ۳۶ تا ۳۴).

³ coherence

⁴ adherence

¹ determinacy

² symbolic validation

اختلافات بین‌المللی از طرق مسالمت آمیز وفق ماده ۳۳ منشور شده است. (Wallace, 2002, 252)

۱- مفهوم ماهیت ارگانیک سیستم حقوقی سازمان ملل متحد در تکاپو برای درک مفهوم ماهیت ارگانیک نظام حقوقی سازمان ملل متحد بیان این نکته ضرورت دارد که این ساختار حقوقی، همانند یک فرد یا سازمان زنده از نوعی پویایی خارق العاده برخوردار است که جامعه بین‌المللی تا حد قابل قبولی از تصمیمات هماهنگ، مدون و در حال تحول آن پیروی و استقبال می‌کند و هر یک از ارکان اصلی و فرعی در تعامل با دیگر مجموعه‌ها است تا اهداف چهارگانه منشور که تجلی نوشتاری شخصیت منحصر به فرد سازمان ملل است را به نمایش بگذارد و از ویژگی‌های شاخصی برخوردار است که شامل انسجام جدی و هم‌افزایی تمام نهادها با یکدیگر بوده و هر یک از ارکان اصلی سازمان ملل متحد علیرغم داشتن وظایف خاص، به صورت تلویحی و ضمنی وظیفه هماهنگی با دیگر نهادها را عهده‌دار است و مصوبات و تصمیمات هر یک از آنها می‌تواند بر کارکرد دیگر نهادها تأثیرگذار باشد. علاوه از آن سازمان ملل متحد به سرعت در حال تکامل و پویایی اصول و قواعد حاکم بر آن بوده و تلاش دارد که تصمیماتش با لحاظ زمان و مکان، منصفانه و عادلانه باشد و این مهم ضرورت تفسیر مترقیانه از منشور را طلب می‌کند زیرا منشور سازمان ملل متحد مانند کتب الهی، تفسیرپذیر و مملو از ظرایف حقوقی است و هر یک از ارکان سازمان ملل متحد با ایجاد نوعی رویه و عرف بین‌المللی سازمانی، از زوایای مختلفی به موضوعات پیش رو می‌نگرند. در عین حال تمام این نهادها حول محور اهداف مشترک در حال حرکت اند و ضمن حفظ وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت به وظایف اساسنامه‌ای

خود پایبندند که مهمترین آنها پاسداری از صلح و امنیت بین‌المللی، رعایت موازین حقوق بشر و توسعه همکاری بین‌المللی و خلع سلاح است که هر یک به مانند یک کاتالیزور مکمل دیگری هستند و پدیدآورنده روح منشور ملل متحد می‌باشند که در این سند تجلی یافته است. اما بدون داشتن روحیه همکاری و اعلام تعهد جمعی این آرمان‌ها تحقق نخواهند یافت و فقط با تفاسیر جدید و ایجاد رویه‌های عملی مطابق با منشور است که می‌توان به تأثیرگذاری بر حیات حقوق بشریت امیدوار شد. سازمان ملل متحد یک ابر دولت نیست اما همانند یک حاکم خردمند و دانا با لحاظ رعایت عدالت در روابط بین دولتها نقش آفرینی کرده و سعی در تغییر اندیشه‌های سنتی حکمرانی کشورها و دولتها دارد که با حرکت به سوی افق درخشان صلح پایدار و رعایت حقوق بشر، جهان را از رفتارهای هژمونیک برخی از دولتها رهایی بخشد و آن را به سوی توسعه جهت‌دار و پایدار در همه زمینه سوق دهد تا دیگر در هیچ عصری نیازی به استفاده از سلاح نباشد و دیپلماسی لبخند جایگزین گلوله‌های مرگبار گردد. به تجربه ثابت شده که در طول تاریخ همه کشورها تلاش داشتند از منافع خود در همه اوقات حفاظت کنند اما سازمان ملل متحد تلاش دارد که با نوآوری‌های منحصر به فرد زمینه‌ساز همکاری‌های بین‌المللی بین کشورها در زمینه‌های سیاسی باشد و این مهم با تحول و توسعه موازین حقوق بین‌الملل و اجرای این مقررات انجام خواهد شد و همینطور همکاری در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشت همگانی و تحقق حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بدون لحاظ هر نوع تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب از مهم‌ترین کارکردهای ارگانیک سازمان ملل متحد در جهانی نامتحد است که به جز قاعده منع مداخله در امور داخلی

مواد منشور قلمداد می‌شود در این زمینه ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری کاملاً گویاست.

دیوان با صدور آراء مشورتی از سال ۱۹۴۸ به این سو تلاش دارد که اصول راهنمای عملکرد سازمان‌های بین‌المللی و کشورها را ترسیم کند و دیوان با ارائه تصویری از سازمان ملل متحد و شیوه‌های عضویت و همکاری با آن از شخصیت حقوقی بین‌المللی مستقل سازمان ملل متحد حمایت کرده است. در عین حال مجمع عمومی نیز از صلاحیت کافی برای تفاسیر مترقیانه از منشور برخوردار است و ماحصل این نوع تفسیر دستیابی به پاره‌ای از اهداف سیاسی تاثیرگذار بر جامعه بین‌المللی است. صدور اعلامیه اعطای استقلال به کشورهای تحت سلطه استعمار موضوع قطعنامه ۱۹۶۰ مجمع عمومی می‌تواند بهترین شاهد مثال باشد. جالب است که سازمان ملل متحد در هر موضوع یا اختلاف و مسئله‌ای با یک شیوه ابتکاری برخورد کرده و با استفاده از سازوکارهای معاهده‌ای و سازمانی، معضلات پیش رو را حل می‌کند یا با نوآوری به مدیریت موضوعات جدیدی مانند اسکان پناهندگان جنگی می‌پردازد (ممتاز، ۱۳۹۱، ۴۱-۴۰) به ویژه که دنیای امروز با پدیده جهانی شدن مواجه شده و تلاش سازمان ملل متحد هماهنگ سازی کشورهای عضو با این پدیده نوظهور است که معایب و محاسن خود را دارد به این ترتیب که جهانی شدن موجب کاهش اقتدار سیاسی کشورها شده و بر تاثیرپذیری کشورها از سازمان‌های بین‌المللی افزوده شده است و حقوق یکنواختی برای حاکمیت بر روابط بین‌الملل در حال شکل‌گیری است و قرار است که همه ابعاد زندگی بشری را تحت تاثیر قرار بدهد و در این میان نقش سازمان ملل متحد در روند جهانی کردن حقوق بین‌الملل بی‌بدیل است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۱، ۴۹). امروزه سازمان ملل متحد به طور اعم و

دولت‌ها در دیگر موارد با تنوع دیدگاه‌ها مواجه هستند و اساساً تشریک مساعی آنها به سرعت انجام نمی‌شود مگر آنکه سازمان ملل متحد گام اول را در این زمینه بردارد (بیگزاده، ۱۳۹۱، ۲۸).

صدور قطعنامه‌های ۱۵۱۴ راجع به اعطای استقلال به سرزمین‌ها و ملل تحت سلطه و قطعنامه ۲۶۲۵ در مورد اصول حاکم بر روابط دوستانه بین دولت‌ها بر اساس منشور سازمان ملل متحد و قطعنامه ۱۹۸۲ با عنوان اعلامیه مانیل در مورد حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی از مهمترین دستاوردهای سازمان ملل متحد در زمینه ارتقا فرهنگ حاکم بر روابط بین کشورها با لحاظ منشور سازمان ملل متحد است (همان، ۳۷).

البته کارکرد سازمان ملل متحد با مصوبات مجمع عمومی و شورای امنیت ارزیابی می‌شود و مجمع عمومی حداقل در زمینه قاعده سازی از همه ارکان اصلی سازمان ملل متحد سبقت جسته است و موفق شده که همه اعضای ملل متحد را در راستای منشور تشویق به همکاری‌های بین‌المللی نماید. سازمان ملل متحد در طول ۸۰ سال گذشته انواع قطعنامه‌ها، اعلامیه‌ها را صادر کرده یا به تصویب رسانده است و با برگزاری انواع کنفرانس‌های بین‌المللی و تاسیس سازمان‌ها، نهادها و ارکان فرعی سهم شایسته‌ای در دموکراتیک سازی روابط بین‌الملل ایفا کرده است و گفتمان صلح و توسعه و رعایت حقوق بشر را از حاشیه به متن مذاکرات بین دولت‌ها سوق داده است (مصفا، ۱۳۹۱، ۱۲-۱۱). اعلامیه‌های صادره از سوی ارکان سازمان ملل متحد نقش برجسته‌ای در تفسیر مواد منشور و اجرای آن دارد. به طور معمول دیوان بین‌المللی دادگستری مقام صالح برای تفسیر

مسلحانه، محاصره دریایی و هر نوع استفاده از تسلیحات. البته منشور هم در عمل به همان مسیری سوق داده شده که میثاق جامعه ملل رفته و منشور و سازمان ملل متحد هنوز موفق نشده‌اند که به این نوع تهدیدات و تجاوزات نظامی پایان دهند و جنگ کماکان در دنیای امروز اتفاق می‌افتد و مجمع عمومی با تصویب مقررات ذیل در قالب قطعنامه، عهدنامه و مصوبات مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل متحد تلاش کرده که مانع از توسل به زور در دنیا گردد که این موارد عبارتند از:

۱- قطعنامه‌های مورخه ۱۹۴۷ و ۱۹۵۰ راجع به محکوم کردن همه انواع تبلیغات جنگی

۲- قطعنامه‌های مورخه ۱۹۴۹ و ۱۹۶۶ راجع به اجتناب ملت‌ها از هر نوع توسل یا تهدید به زور بر خلاف منشور و خودداری از هر نوع تهدیدی که می‌تواند به استقلال کشورها لطمه بزند یا موجب جنگ‌های داخلی گردد.

۳- قطعنامه مورخ ۱۹۵۰ با عنوان صلح از طریق عمل که به موجب آن کشورها حق ندارند در امور دیگر کشورها مداخله کرده و حکومت دیگر کشورها را ساقط کنند چرا که این نوع اعمال محکوم است.

۴- اعلامیه مورخه ۱۹۷۰ راجع به اصول حقوق بین‌الملل در ارتباط با روابط دوستانه و همکاری میان کشورها

۵- اعلامیه مورخه ۱۹۷۰ در ارتباط با اعلامیه تحکیم پایه‌های امنیت بین‌المللی

۶- پیمان تاسیس اتحادیه عرب ۱۹۴۵

۷- پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) ۱۹۴۹

شورای امنیت به طور اخص با ارائه تفاسیر موسع و مترقیانه از مواد منشور تلاش دارند که به هر طریق ممکن از صلح و امنیت بین‌المللی حفاظت کنند و به اختلافات پایان دهند. سازمان ملل متحد همانند یک بازیگر مطرح در این عرصه وارد شده و مانند یک فرمانروای مقتدر اعمال نظر می‌کند و به تضمین مجدد صلح جهانی می‌پردازد (Schachter, 1983, 292).

۲- ارزیابی عملکرد سازمان ملل متحد در خصوص محدودیت توسل به زور

جنگ جهانی دوم باعث تلفات بسیاری شد و بیش از ۵۲/۴۸۰/۰۰۰ نفر کشته شدند که سهم هر یک از کشورهای درگیر عبارت بودند از: آمریکا ۲۹۰ هزار نفر تلفات، انگلستان ۵۰۰ هزار نفر، فرانسه ۶۵۰ هزار نفر، شوروی ۲۵ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر، آلمان ۷ میلیون و چهارصد هزار نفر، لهستان ۶ میلیون نفر، یوگسلاوی ۴۴۰ هزار نفر، یونان ۵۰۰ هزار نفر، چین ۸ میلیون و ژاپن ۳ میلیون و یکصد هزار نفر تلفات (گروه تاریخ دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی و تالیف، ۱۳۶۷، ۶۵). منشور سازمان ملل متحد با اظهار نفرت از جنگ مصمم شده که مانع از وقوع جنگ در جهان گردد هرچند که بارها جنگ اتفاق افتاده و در آینده نیز خواهد افتاد با این حال منشور ملل بر این باور است که زمینه ساز ممنوعیت کلی و عام توسل به زور در دنیا باشد و از کشورهای عضو خواسته است که از هر نوع تهدید یا توسل به زور اجتناب کنند چرا که با اهداف سازمان ملل متحد در تعارض است. در عین حال قاعده منع توسل به زور شامل هم جنگ‌های جهانی می‌گردد و هم جنگ‌های داخلی به ویژه هر نوع جنگ، تهدید به آغاز مخاصمات مسلحانه، هر نوع اقدام مقابله به مثل

۴- همینطور مردم تحت اشغال دول اشغالگر نظیر فلسطین کاملاً مجازند که با توسل به زور به اشغالگری‌های ظالمانه صهیونیست‌ها پایان دهند و به حق تعیین سرنوشت خود دست یابند.

۵- حق توسل به زور را می‌توان علیه همه قدرت‌هایی که ناقض حقوق بشر به صورت گسترده هستند اعمال نمود.

۶- با تلقی جنگ‌های آزادی‌بخش به عنوان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی می‌توان از این جنبش‌ها در راستای توسل به زور حمایت کرد و منشور سازمان ملل متحد هیچ مشکلی با این نوع توسل به زور ندارد (عزیزی، ۱۳۹۱، ۱۵۸ تا ۱۵۶). البته در صورت توسل به زور اجرای موازین حقوق بشردوستانه الزامی است برای همه گروه‌هایی که به صورت مشروع حق توسل به زور را کسب کرده اند (محقق داماد، ۱۳۷۵، ۱۴۹). در قضیه رای مشورتی دیوان راجع به تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای ۱۹۹۶ دیوان به شرح ذیل مبادرت به صدور رای کرد:

۱- در معاهدات بین‌المللی یا حقوق بین‌الملل عرفی اجازه تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای مشاهده نمی‌شود و یافت نشد.

۲- راجع به ممنوعیت جهانی و جامع تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای هیچ کنوانسیون بین‌المللی یا رویه عرفی بین‌المللی یافت نشد.

۳- هر نوع تهدید یا توسل به زور یا هر نوع اعمال زور با سلاح هسته‌ای مخالف بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد بوده و از شمول ماده ۵۱ منشور خارج است.

۸- پیمان ورشو ۱۹۵۵

۹- عهدنامه وین در زمینه حقوق معاهدات ۱۹۶۹

۱۰- منشور بوگوتا ۱۹۴۸

۱۱- منشور بوئنوس آیرس ۱۹۶۷ (ضیائی بیگدلی، ۱۴۰۲، ۴۳۸-۴۳۷).

خوشبختانه شورای امنیت سازمان ملل متحد از اختیارات کافی جهت مقابله با وضعیت‌های بحران‌زا برخوردار است و به سهولت می‌تواند با توسل به فصل ۶ و ۷ منشور سازمان ملل متحد به مقابله با تهدیدات جهانی مبادرت ورزد و نقش مجمع عمومی در این زمینه نیز پررنگ بوده و قادر است که توجه جامعه بین‌المللی به موضوع جنگ و توسل به زور را جلب کند اما حق ندارد در امور مربوط به شورای امنیت بدون اجازه و صلاحدید شورای امنیت مداخله کند (مستقیمی، ۱۳۹۱، ۶۴). مجمع عمومی سازمان ملل متحد در زمینه ممنوعیت توسل به زور موارد ذیل را مد نظر قرار داده که عبارت‌اند از:

۱- قاعده توسل به زور بایستی در کشورهایی که نژادپرستی را تبلیغ می‌کنند از جمله آفریقای جنوبی اجرا می‌شد.

۲- جنبش‌های آزادی‌بخش مجازند که با رعایت موازین حقوق بشر با دولت‌هایی که مخالف حق تعیین سرنوشت ملل هستند مبارزه کنند آن هم با توسل به زور.

۳- کمک به مستعمرات برای توسل به زور علیه کشورهای استعمارگر و زورگو می‌تواند از طریق اعطای حق توسل به زور قانونی انجام شود.

بیشترین قربانیان این نوع تسلیحات هستند و ضرورت دارد که مذاکرات خلع سلاح به طور مستمر تحت نظارت سازمان ملل متحد انجام شود به ویژه سلاح‌های انفجاری و انواع موشک‌های مخرب. بعد از حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر و حملات تروریستی بعدی در جهان این خطر که امکان دارد تروریست‌ها به سلاح هسته‌ای دست یابند اوج گرفت و خطر اصلی امکان دستیابی تروریست‌ها به این سلاح‌ها بود و همین‌طور دسترسی پنهانی به سلاح‌های شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای از دیگر نگرانی‌های جامعه بین‌المللی بود. مجمع عمومی در سال ۲۰۰۲ درست یک سال پس از حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر قطعنامه‌ای با هدف جلوگیری از دسترسی تروریست‌ها به تسلیحات کشتار جمعی صادر کرد و بلافاصله شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۴ برای اولین بار اعلام کرد که سلاح‌های هسته‌ای ممکن است توسط تروریست‌ها تکثیر و از آن استفاده شود و کشورها مکلفند که مطابق قطعنامه شماره ۱۵۴۰ از هر نوع حمایت از گروه‌های تروریستی که قصد انتقال، ساخت، تولید، تملک، حمل و نقل یا استفاده از تسلیحات هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی را دارند اجتناب کنند. مطابق این قطعنامه همه کشورها بایستی در این زمینه مقرراتی را تصویب کنند و به پیشگیری از تکثیر این نوع تسلیحات مخرب و ویرانگر بپردازند. خوشبختانه یک سال بعد مجمع عمومی کنوانسیون بین‌المللی برای جلوگیری از اقدامات تروریسم هسته‌ای ۲۰۰۵ را تصویب کرد و از کشورها خواست که آن را امضا کنند. سازمان ملل متحد با ایجاد معیارهای جدید تلاش دارد که روند خلع سلاح را تقویت کرده و با استفاده از رژیم‌های چندگانه به سوی ممنوعیت استفاده از این سلاح‌ها گام بردارد. البته مطابق منشور سازمان ملل متحد وظیفه اصلی تدوین اصول کلی همکاری برای حفظ

۴- در تهدید یا توسل به سلاح‌های هسته‌ای باید موازین حقوق بین‌الملل بشردوستانه رعایت گردد و بین نظامیان و غیرنظامیان تفکیک به عمل آید.

۵- هر نوع تهدید یا توسل به زور مغایر موازین حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه است به ویژه ناقض حقوق بشردوستانه محسوب می‌گردد.

۶- مذاکرات مربوط به خلع سلاح بایستی جدی گرفته شود و بایستی تحت نظارت سازمان‌های بین‌المللی باشد (دهقانی، ۱۳۷۵، ۱۰۵-۱۰۴-۱۰۱).

مطابق منشور سازمان ملل متحد و با اتکا به ماده ۵۱ منشور توسل به زور از سوی کشورها تنها هنگامی مجاز است که در راستای دفاع مشروع و ترتیبات دفاع دسته جمعی شورای امنیت وفق ماده ۴۲ منشور سازمان ملل متحد باشد در غیر این صورت کاربرد هر نوع زور ممنوع و جنایت محسوب می‌گردد.

۳- سازمان ملل متحد و خلع سلاح عمودی و افقی تسلیحات هسته‌ای

بدون شک یکی از مهمترین زمینه‌های حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، کاهش تسلیحات در دوره بعد از پایان جنگ جهانی دوم است و اولویت این سازمان، انهدام و کاهش تسلیحات هسته‌ای، نابودسازی سلاح‌های شیمیایی و ممنوعیت کاربرد سلاح‌های میکروبی است که می‌تواند از موجب انقراض نسل بشریت گردد. البته خلع سلاح تنها محدود به تسلیحات کشتار جمعی نیست بلکه شامل سلاح‌های کوچک و اسلحه‌های سبک نیز می‌گردد و کاربرد مین‌های زمینی باعث افزایش افراد معلول در جوامع جنگ زده می‌گردند و غیرنظامیان

۵- معاهده ۱۹۶۸ درباره عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای که راجع به ممنوعیت کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای برای دسترسی به این سلاح‌هاست.

۶- معاهده ۱۹۷۱ درباره ممنوعیت استقرار سلاح‌های هسته‌ای در بستر دریا و اقیانوس و زیر خاک (معاهده بستر دریاها).

۷- کنوانسیون ۱۹۷۲ درباره سلاح‌های میکروبی که ساخت و استفاده از آن را منع کرده است و خواستار نابودی این نوع تسلیحات بیولوژیکی است.

۸- کنوانسیون ۱۹۸۰ درباره بعضی از سلاح‌های سنتی که زیانبار بوده و تاثیر مخربی بر عموم بشریت دارد.

۹- پروتکل ۱۹۹۵ راجع به ممنوعیت استفاده از انواع مین و تله‌های انفجاری و سلاح‌های آتش‌زا و سلاح‌های لیزری کور کننده.

۱۰- معاهده ۱۹۸۵ منطقه عاری از سلاح هسته‌ای اقیانوس آرام جنوبی

۱۱- معاهده ۱۹۹۰ راجع به نیروهای مسلح سنتی در اروپا

۱۲- معاهده آسمان‌های باز ۱۹۹۲

۱۳- کنوانسیون ۱۹۹۳ راجع به سلاح‌های شیمیایی

۱۴- معاهده ۱۹۹۵ در خصوص منطقه عاری از سلاح هسته‌ای جنوب شرقی آسیا

۱۵- معاهده ۱۹۹۶ منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای آفریقا

۱۶- معاهده ۱۹۹۶ فراگیر ممنوعیت آزمایش‌های هسته‌ای

صلح و امنیت بین‌المللی و تنظیم تسلیحات به عهده مجمع عمومی گذاشته شده است و مجمع از کمک دو نهاد در این زمینه استفاده می‌کند که شامل کمیته خلع سلاح و امنیت بین‌المللی و کمیسیون خلع سلاح می‌باشد که یک نهاد مشورتی است. علاوه از آن کنفرانس خلع سلاح یک نهاد منسجم برای مذاکره در زمینه قراردادهای خلع سلاح است که تصویب کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی و معاهده جامع ممنوعیت آزمایش هسته‌ای از موفقیت‌های این کنفرانس است. مهمترین موافقت‌نامه‌های چند جانبه خلع سلاح و نظارت بر تسلیحات عبارتند از:

۱- معاهده ۱۹۵۹ قطب جنوب راجع به ممنوعیت آزمایش اتمی در قطب جنوب

۲- معاهده ۱۹۶۳ ممنوعیت آزمایش‌های هسته‌ای در جو زمین، ماورای جو و زیر آب که نوعی معاهده ممنوعیت نسبی به حساب می‌آید و آزمایشات فقط می‌تواند در محل‌های زیرزمینی مانند دره‌هایی که کوه‌ها اطراف آن را احاطه کرده‌اند انجام شود.

۳- معاهده ۱۹۶۷ راجع به ممنوعیت سلاح‌های هسته‌ای در قاره آمریکای لاتین و کارائیب که هر نوع فعالیت نظامی هسته‌ای را در این منطقه ممنوع اعلام کرده است.

۴- معاهده ۱۹۶۷ راجع به اصول حاکم بر فعالیت کشورها در اکتشاف و استفاده از ماورای جو از جمله کره ماه و سایر کرات آسمانی که کشورها را از انجام آزمایشات اتمی در فضا منع کرده است.

سلاح، انجام مذاکرات جدی زیر نظر سازمان ملل متحد بوده و می‌تواند زمینه‌ساز کاهش استفاده از تسلیحات در همه زمینه‌های سبک، سنگین و هسته‌ای باشد (Barton, 1986, 102).

۴- تغییر نگرش کشورها به موضوع حقوق بشر و مسئولیت پذیری آنها

تنوع تهدیدات دهکده جهانی به حدی افزایش یافته که مهمترین آنها تروریسم بین‌المللی می‌باشد و مقابله یا سرکوب آنها می‌تواند موجب بهبود میزان رعایت موازین حقوق بشر گردد. بنابراین با وجود دهها کنوانسیون و معاهده بین‌المللی راجع به حقوق بشر هنوز هم این حقوق در برخی از نکات دنیا توسط بازیگران غیردولتی نقض می‌شود و بدون همکاری کشورها امکان ندارد که سازمان ملل متحد در مقابل با نقض حقوق بشر و پایان دادن به این خشونت جمعی و غافلگیر کننده کامیاب گردد. با این وصف مهمترین کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریستی که ناقض حقوق بشر هستند عبارتند از:

۱- کنوانسیون راجع به جرایم و دیگر اعمال ارتكابی در داخل هواپیما ۱۹۶۳

۲- کنوانسیون راجع به سرکوب تصرف غیرقانونی هواپیما ۱۹۷۰

۳- کنوانسیون راجع به سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی هواپیمایی کشوری ۱۹۷۱

۴- پروتکل سرکوب اعمال غیرقانونی خشونت در فرودگاه‌های در خدمت هواپیمایی بین‌المللی کشوری الحاقی به کنوانسیون

۱۷- کنوانسیون ۱۹۹۷ راجع به ممنوعیت تولید و کاربرد مین‌های ضد نفر

۱۸- کنوانسیون بین‌المللی برای جلوگیری از اقدامات تروریسم هسته‌ای ۲۰۰۵

۱۹- معاهده منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای آسیای مرکزی ۲۰۰۶ (سازمان ملل متحد. اداره اطلاعات همگانی، ۱۳۸۸، ۱۲۷ تا ۱۲۴).

برخی از پژوهشگران حقوق بین‌الملل بر این باورند که تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی می‌تواند باعث انقراض نسل بشریت یا گروهی از آنها شود و سلاح‌های غیر متعارف هسته‌ای، شیمیایی، میکروبی و رادیولوژیک موجب افزایش نگرانی جامعه جهانی شده و تلاش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی چندان کارساز نبوده است و تکثیر این سلاح‌ها کماکان ادامه دارد (عباسقلی‌زاده بنام، ۱۴۰۳، ۱۱).

با این وصف شورای امنیت سازمان ملل متحد مجاز است که بر اساس فصل هفتم منشور با تهدیدات گروه‌ها یا کشورهای دارنده سلاح اتمی مقابله کرده و در صورت ضرورت بر اساس ماده ۴۲ منشور متوسل به زور شود تا آنها را از انجام تهدیدات قریب‌الوقوع هسته‌ای باز دارد (موثقی، ۱۳۸۹، ۲۶۹).

البته در خصوص محدودیت گسترش سلاح‌های هسته‌ای هنوز قاعده‌ای وجود ندارد که مانع از تکثیر این سلاح‌ها شود ولی این ضوابط در حال تدوین و تصویب هستند (فلسفی، ۱۳۹۰، ۲۴۱). انحلال پیمان ورشو در سال ۱۹۹۰ تاثیر مثبتی بر خلع سلاح هسته‌ای در جهان بر جای گذاشت و کشورهای جهان از نگرانی برخورد هسته‌ای خلاصی یافتند (بعیدی نژاد، ۱۳۸۴، ۱۴۷). جالب است که مهم‌ترین عامل موفقیت مذاکرات خلع

معافیت یا تخفیف از مجازات کسی گردد که موجب نقض حقوق بشر شده و مرتکب جنایات جنگی، ژنوساید، جنایت بر ضد بشریت و تجاوز شده است چرا که کشتن انسان‌های بی‌گناه یا تجاوز به حقوق آنها جزو وظایف مقامات سیاسی و نظامی نبوده و نخواهد بود این مهم در محاکمات دادگاه نورنبرگ و توکیو نیز تکرار شد زیرا کسانی که حقوق بشر را در سطح گسترده و با بی‌پروایی نقض می‌کنند دشمن همه ملت‌ها محسوب می‌گردند و هر کسی باید پاسخگوی رفتارهای مجرمانه خود باشد در هر پست و مقامی که باشد و مصونیت کامل و صد در صد برای هیچ مجرمی وضع نشده و اعمال نخواهد شد و اعطای مصونیت به مقامات سیاسی صرفاً برای انجام سریع‌تر وظایفشان می‌باشد نه برای نقض موازین حقوق بشر و تجاوز به حقوق بنیادین آنها (رنجبریان، ۱۳۹۱، ۱۲۸). مجمع عمومی در یک اقدام ابتکاری موضوع تسری قواعد حقوق بشر را به حقوق جنگ مطرح ساخته و از سه زاویه تلاش دارد که باعث رشد و توسعه حقوق بشردوستانه بین‌المللی گردد که عبارتند از:

۱- ضرورت توجه به وضعیت‌های نقض فاحش حقوق بشردوستانه در هنگامه وقوع جنگ‌ها

۲- تقویت نظام حقوق کیفری بین‌المللی برای محاکمه و مجازات جنایتکارانی که مرتکب جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت شده‌اند.

۳- تسری قواعد بنیادین حقوق بشر به جبهه‌های جنگ و مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی (کاظمی، ۱۳۹۱، ۲۱۹).

راجع به سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی هواپیمایی
کشوری ۱۹۸۸

۵- کنوانسیون سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی
کشتیرانی دریایی ۱۹۸۸

۶- پروتکل سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی سکوهایی
ثابت مستقر در فلات قاره ۱۹۸۸

۷- کنوانسیون جلوگیری و مجازات جنایت بر ضد اشخاص
تحت حمایت بین‌المللی از جمله نمایندگان دیپلماتیک ۱۹۷۳

۸- کنوانسیون بین‌المللی بر ضد گروگانگیری ۱۹۷۹

۹- کنوانسیون حمایت فیزیکی از مواد هسته‌ای ۱۹۷۹

۱۰- کنوانسیون بین‌المللی نشانه گذاری مواد منفجره
پلاستیکی به منظور ردیابی بعدی ۱۹۹۱

۱۱- کنوانسیون بین‌المللی سرکوب بمب‌گذاری تروریستی
۱۹۹۷

۱۲- کنوانسیون بین‌المللی سرکوب تامین مالی تروریسم
۲۰۰۰

۱۳- کنوانسیون بین‌المللی برای سرکوب اعمال تروریسم
هسته‌ای ۲۰۰۵ (عبدالهی، ۱۳۹۱، ۱۹۲-۱۹۱).

اصولاً با قبول مسئولیت کیفری فردی به خاطر نقض حقوق بشر و حقوق بین‌الملل، جامعه بین‌المللی به آرامی به سوی پایان دادن به نقض فاحش موازین حقوق بشر گام برداشت. اصولاً همانطور که ماده ۲۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مقرر داشت که داشتن مقام رسمی نمی‌تواند باعث کاهش یا

۲- به عنوان قاعده ساز و قانونگذار سازمان ملل متحد وظیفه حمایت از حقوق زنان، کودکان، زندانیان، بازداشت شدگان، معلولان ذهنی و حرکتی را عهده دار است.

۳- به عنوان ناظر تلاش دارد که از اجرای موازین حقوق بشر حمایت کند و موارد نقض احتمالی حقوق بشر را به اطلاع عموم و نهادهای ذی صلاح برساند.

۴- به عنوان مرکز ارتباطی، دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد سالانه صدها هزار شکایت دریافت و به آنها رسیدگی می‌کند.

۵- به عنوان مدافع تلاش دارد که مانع از اعمال مجازات‌های خودسرانه در جهان گردد.

۶- به عنوان تحقیق کننده به گردآوری اطلاعات در زمینه نقض حقوق بشر می‌پردازد.

۷- به عنوان مرجع عدالت خواهی می‌کوشد که مانع از اعمال انواع تبعیض‌ها علیه گروه‌های مختلف انسانی گردد.

۸- به عنوان کشف حقیقت با جمع آوری دلایل کافی تلاش می‌کند که پرده از راز نقض‌های مکرر و متعدد حقوق بشر در نقاط مختلف جهان بردارد.

۹- به عنوان دیپلمات بصیر با ابراز نگرانی از نقض حقوق بشر می‌کوشد که با میانجی‌گری و دیپلماسی به این ناملازمات پایان دهد (سازمان ملل متحد، اداره اطلاعات همگانی، ۱۳۸۸، ۲۳۸ تا ۲۳۶).

با اینکه مهمترین وظیفه سازمان ملل حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی است اما جلوگیری از نقض حقوق بشر نیز داخل در

خوشبختانه در چند دهه اخیر نظام بین‌المللی حقوق بشر وارد مرحله معیارسازی و قاعده مند کردن رفتار کشورها در رابطه با حقوق بشر گردیده است به ویژه بعد از تاسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ و با صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ دفاع از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی توسط سازمان ملل متحد با جدیت پیگیری شد و منزلت انسانی افراد در اسناد بین‌المللی مورد حمایت و حفاظت قرار گرفت و تصویب میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ این روند را تسریع کرد. همینطور با حمایت سازمان ملل متحد کشورها موافقت کردند که کنوانسیون منع و مجازات نسل کشی ۱۹۴۸ و ممنوعیت تبعیض نژادی ۱۹۶۳ و کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۴۸، کنوانسیون ۱۹۷۹ در خصوص رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ را به تصویب برسد و از ابهامات حقوق بشر تا حد زیادی کاسته شود (زمانی، ساعد وکیل و عسکری، ۱۳۸۶، ۱۵-۱۴). در کنفرانس تهران در سال ۱۹۶۹ مفهوم حقوق بشر به عنوان یک اصل جهان شمول به همه بشریت معرفی شد و مقرر شد که کشورهای استعمارگر بایستی به رعایت حقوق بشر ملل مستعمره بپردازند (اعلائی، ۱۳۸۴، ۲۹۵). باید این نکته را پذیرفت که سازمان ملل متحد در حمایت از حقوق در نقش‌های مختلفی ظاهر می‌شود که عبارتند از:

۱- سازمان ملل متحد تریبون وجدان جهانی که درصدد ایجاد معیارهای بین‌المللی حقوق بشر و دیگر زمینه‌ها است و بر جهان شمولی حقوق بشر تاکید ویژه‌ای دارد.

مقوله اهداف سازمان ملل متحد بوده و قابل اغماض نیست که گاهی اوقات لازمه رعایت این حقوق، استناد به فصل هفتم منشور به ویژه ماده ۵۱ منشور است که اجازه مقابله نظامی با ناقضین حقوق بشر و صلح را داده است (Frowein, 1983, 274).

۵- سازمان ملل متحد و حق تعیین سرنوشت مردم

گفته شده که ملتها تحت شرایط ویژه و خاصی که شامل نقض حقوق بشر آنها می‌شود می‌توانند به فکر استقلال و جدایی طلبی باشند که این مورد کمتر در طول تاریخ اتفاق افتاده است با این حال ملتی که خواستار استقلال و شناسایی از سوی دیگر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی است عملاً در حال حرکت به سوی اعمال حق تعیین سرنوشت خودش است هرچند که این حق جزو حقوق بنیادین بشری شناخته شده معهدا تحقق آن منوط به رعایت موازین حقوق بین‌الملل است. اصولاً این قاعده پذیرفته شده که ناپیستی حق تعیین سرنوشت را نقض کرد زیرا آن یک قاعده الزام آور (Erga Omnes) تلقی شده که کاملاً موافق ماده ۱۰۳ منشور سازمان ملل متحد است و در ذات خود با صلح و امنیت بین‌المللی در ارتباط مستمر است با این حال همانطور که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه تیمور شرقی اعلام کرده است حق تعیین سرنوشت یک تعهد عام الشمول می‌باشد که قابل انکار نیست و برای تحقق این حق بایستی مردم ساکن یک سرزمین بوده و هیچ کشوری یا ملت و دولت دیگری ادعای دیگری بر آن نداشته باشند (رستمی، ۱۳۹۱، ۱۸۲ - ۱۸۱). بدون شک حق تعیین سرنوشت دارای یک ویژگی جهانی یا شبه جهانی است و همانطور دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بارسلونا تراکشن متذکر شد وارد مجموعه

حقوق بین‌الملل عام گردیدند و مشابه این حقوق عبارتند از: ممنوع بودن تجاوز و نسل کشی، حقوق بشر از همه انواع خود منع برده‌گیری و منع تبعیض نژادی همگی اعمالی ممنوع هستند که وجدان مشترک جامعه بشری توان تحمل ارتکاب آنها را ندارد (رستم زاد، ۱۳۸۴، ۴۳). همانطور که متذکر شدیم حق بر تعیین سرنوشت داخل در مقوله حقوق و آزادی‌های انسانی قلمداد می‌شود که مطابق آن همه انسان‌ها و گروه‌های اجتماعی بدون لحاظ تنوع نژادی، قومیتی، زبانی و جنسیتی قادرند که در امور سیاسی و فرهنگی و اجتماعی مرتبط با خود اظهار عقیده کرده و رعایت این حقوق را مطالبه کنند (هاشمی، ۱۳۹۰، ۵۲۴). جالب است که حق تعیین سرنوشت در خود منشور و هر دو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد تاکید قرار گرفته است به این شرح که :

((کلیه ملل دارای حق تعیین سرنوشت خویش هستند. به موجب حق مزبور، ملل وضع سیاسی خود را آزادانه تعیین و توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگ خود را آزادانه تاسیس می‌کنند)). علاوه از آن موارد فوق مجمع عمومی در سال ۱۹۶۰ اعلامیه مربوط به حق تعیین سرنوشت و استقلال کشورهای مستعمره را تصویب نمود که در تدارک رهایی مردم تحت استعمار از چنگال کشورهای استعمارگر بود. سازمان ملل متحد در طول ۸۰ سال گذشته پیوسته مدافع حق تعیین سرنوشت بوده به ویژه که مراجعه به آرای عمومی برای تحقق حق تعیین سرنوشت بارها مورد تاکید قرار گرفته است هر چند گاهی اقلیت‌ها نیز از این حق استفاده کرده و از ستم استعمارگران تاریخ رهایی یافتند. توضیح آنکه در پنج قرن گذشته کشورهای اسپانیا، پرتغال، انگلستان، فرانسه، ایتالیا، آلمان، دانمارک و هلند جزو کشورهای استعمارگر و سلطه جو بوده

صحرائ غربی، ساموای آمریکا، گوام، کالدونیای جدید، پیت کرن، تو که لایو، آنگویلا، برمودا، جزایر ویرجین انگلیس، جزایر کیمن، جزایر فالکلند (مالویناس)، جبل الطارق، مونتسرات، سنت هلن، جزایر ترکها و کایکوها و جزایر ویرجین ایالات متحده آمریکا (سازمان ملل متحد. اداره اطلاعات همگانی، ۱۳۸۸، ۲۸۴-۲۸۳). خوشبختانه هم اکنون تمام سرزمین‌های تحت قیمومت زیر نظارت سازمان ملل متحد هستند و به تدریج به سوی استقلال سیاسی گام برمی‌دارند. البته این روند بعد از جنگ جهانی اول تسریع شد و با اعمال نظام نمایندگی جامعه ملل نظارت جدی بر سرزمین‌های تحت قیمومت به عمل آمد (Green, 1987, 85).

۶- اولویت دادن به موضوع کاهش فقر در دهکده جهانی

یکی از مهمترین چالش‌های دهکده جهانی در هزاره سوم موضوع فقر است. به گزارش سازمان ملل متحد از سال ۱۹۹۰ میزان فقر به مقدار ۱۰۰ میلیون نفر افزایش یافته است چرا که درآمد ۵۴ کشور به دلایل مختلف کاهش یافته و هر ساله به دلیل فقر ۱۱ میلیون کودک بر اثر بیماری‌های معمولی جان خود را از دست می‌دهند و بیش از ۵۰۰ هزار نفر زن در دوره بارداری و تولد کودک فوت می‌کنند. فقر اقتصادی در برخی از کشورها معلول وقوع جنگ‌های داخلی است و همین‌طور انفجار جمعیت و افزایش میزان شهرنشینی و رشد بی‌سابقه انواع بیماری‌های واگیردار که همه این‌ها موجب افزایش خشونت در شهرهای بزرگ و کوچک شده و فقر به تنهایی عاملی برای افزایش انواع بیماری‌های مهلک شده است به ویژه فلج اطفال. با اینکه در سال ۲۰۰۰ میلادی شورای امنیت گسترش ایدز را تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی اعلام کرد معه‌ذا هنوز هم در قاره آفریقا هر ساله هزاران نفر

و به نام اکتشافات جغرافیایی در امور داخلی بسیاری از کشورها مداخله کرده و تمام آزادی‌های اساسی آنها را سلب می‌کردند که بعد از سقوط امپراطوری‌ها و وقوع جنگ‌های جهانی اول و دوم و تاسیس جامعه ملل و سازمان ملل این وضعیت به پایان رسید و هم اکنون این سازمان ملل متحد است که بر امور سرزمین‌های تحت قیمومت نظارت دارد (ساعد وکیل و عسکری، ۱۳۸۳، ۵۴-۵۳). حقوق بین‌الملل در خصوص حق تعیین سرنوشت به سه شاخصه مهم توجه دارد که عبارتند از:

۱- آزادی عمل مردم در انتخاب حاکمیت، رژیم سیاسی و مشارکت در امور سیاسی و مدنی خویش به عنوان حق تعیین سرنوشت بیرونی و درونی

۲- حق اقلیت‌ها در شکوفایی فرهنگ، مذهب و تاثیر آن بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی

۳- حق اهالی محلی هر سرزمین بر حفظ آداب و سنن خود و برخورداری از منابع طبیعی و ثروت‌های خدادادی سرزمین خویش (امیدی، ۱۳۸۵، ۲۳۰-۲۲۹).

یادآوری این نکته ضرورت دارد که هم اکنون نزدیک به ۱۰۰ کشور تحت سلطه استعماری یا ترتیبات قیمومت قرار دارند و بعد از تاسیس سازمان ملل متحد با مساعدت این سازمان بین‌المللی جهانی بسیاری از این سرزمین‌ها به استقلال دست یافتند. سازمان ملل متحد با تشویق ملل وابسته به کشورهای قیم تلاش دارد که روند استقلال آنها را تسریع کند و به طور مستمر بر روند استقلال آنها نظارت کند برخی از این سرزمین‌ها عبارتند از:

شود آنها قادر خواهند بود که از سلامتی خود مراقبت کنند. همینطور بایستی با شیوه‌های جدید کشت و زرع باعث افزایش محصولات کشاورزی در قاره آفریقا که مأمّن فقر است گردیم و این مهم منوط به حفاظت از محیط زیست و طبیعت است (ساکس، ۱۳۸۴، ۴۶). در خصوص مقابله با فقر برخی از سیاستمداران جهان در سال ۲۰۰۴ بیاناتی داشتند که به نظر می‌تواند برای کاهش فقر به عنوان راهبرد کارآمد باشد. آنها معتقدند که کاهش فقر می‌تواند باعث افزایش امنیت بین‌المللی، توقف جنگ و خشونت‌های داخلی، ترور و سایر جنایات گردد. فقر و بی‌ثباتی مولد کشورهای ضعیف و ناتوان است که می‌تواند پناهگاه تروریست و انواع تبهکاران باشد. با اینکه فقر عامل ایجاد تروریسم نیست و فقر از انسان، یک قاتل نمی‌سازد با این حال فقر و ظلم پایدار می‌تواند موجب یأس و ناامیدی گردد و کشورهای ضعیف به پناهگاه تبهکاران مبدل خواهد شد. فقر باعث می‌شود که دولت‌ها نتوانند از مرزهای خود حفاظت کنند. با کمک کشورهای توسعه یافته می‌توان ملل فقیر را از فقر و فلاکت جانکاه نجات داد. فقر باعث فلج شدن تدریجی اقتصاد جهان می‌شود. توسعه یک انتخاب نیست بلکه یک ضرورت است. فقر، محرومیت، ظلم و بی‌عدالتی بذره‌های تروریسم به حساب می‌آیند. تا زمانی که جهان به توسعه و کاهش فقر نائل نگردد تحقق صلح و امنیت پایدار ممکن نخواهد بود. فقر چالش جهانی همه کشورهاست حتی کشورهای توسعه یافته نیز دارای افراد فقیر و کارتن خواب می‌باشند (همان، ۲۶-۲۷). بایستی به تاراج ثروت‌ها و منابع طبیعی کشورهای کمتر توسعه یافته پایان داد تا آنها نیز قادر به لمس رفاه و توسعه باشند (شایگان، ۱۳۹۱، ۱۰۱).

بنابراین صلح تنها در پرتو عدالت محقق خواهد شد، آزادی با رعایت حقوق بشر متولد می‌گردد و توسعه پایدار با حاکمیت

توسط ایدز بلعیده می‌شوند و هر ساله ۲ میلیون نفر قربانی بیماری وبا می‌گردند و هم اینک ۸/۵ میلیون نفر مبتلا به این بیماری در جهان به دنبال مداوا هستند و برابر محاسبات سازمان بهداشت جهانی این میزان تا دو دهه آینده به یک میلیارد نفر مبتلا خواهد رسید. متأسفانه ساختارهای اقتصادی و اجتماعی برخی از کشورهای کم درآمد و ناتوان به اندازه‌ای نیست که قادر باشند با فقر و فلاکت ناشی از آن پیکار کنند و بودجه نهادهای بین‌المللی و دولتی کفاف مبارزه با فقر جهانی را نمی‌دهد زیرا مادری که فقیر و بیمار است قطعاً فرزند فقیر و بیماری را تحویل جامعه خواهد داد. مهمترین راه حل مشکل فقر آن است که همه کشورها متعهد شوند که با تمام قوا به جنگ فقر رفته و با حرکت به سوی رشد و توسعه اقتصادی وارد قلمرو توسعه پایدار گردند و توجه به مفاد اعلامیه هزاره سازمان ملل متحد در این زمینه کاملاً رهگشاست. در عین حال کشورهای صنعتی و پیشرفته بایستی متعهد شوند که سالانه به میزان ۷ درصد تولید ناخالص ملی خود را صرف کمک به کشورهای ناتوان و ضعیف از نظر درآمد و توسعه بکنند. سازمان تجارت جهانی نیز باید توصیه کند که تعرفه‌های تجاری کشورها کاهش یابد تا همه کشورهای فقیر و در حال توسعه به محصولات غذایی دسترسی ارزان و آسان داشته باشند. کشورهای توسعه یافته و بانک‌های بین‌المللی نیز بایستی تا حد امکان قروض کشورهای فقیر را ببخشند یا کاهش دهند (بعیدی نژاد، دریایی و علی آبادی، ۱۳۸۴، ۱۱۰ تا ۱۰۸).

مهمترین راهبرد کاهش فقر در هر کشور عمل کردن به اهداف توسعه هزاره ملل متحد مصوب سال ۲۰۰۰ میلادی است و با گام‌های مشخص و حساب شده می‌توان به این اهداف دست یافت. اگر به مادران در هنگام بارداری آموزش‌های لازم داده

قانون معنا پیدا می کند و سازمان ملل متحد و حقوق بین الملل مسئولند که با کمک هم این آرمان ها را متحقق سازند و جهان را از فقر و فلاکت، جنگ، خشونت، تروریسم، تبعیض نژادی، ناامیدی و یأس، بیماری های مهلک، سلاح های هسته ای، تضعیف عدالت اقتصادی و اجتماعی و همینطور جرائم سازمان یافته فراملی نجات دهند (شهبازی، ۱۳۸۹، ۱۲۵).

نتیجه گیری

بعد از جنگ جهانی دوم و وحشت هایی که این نبرد سهمگین باعث آن بود سازمان ملل متحد بنا نهاده شد و ماموریت های مهمی چون حفاظت از صلح و امنیت بین المللی، حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی، توسعه روابط دوستانه بین دولت ها و ملت ها را عهده دار شد.

انصافاً سازمان ملل متحد در موضوعات سیاسی به صورت محدود و در موضوعات امداد رسانی و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات و ترویج روابط دوستانه بسیار کارآمد عمل کرده است با این حال هنوز چالش های بسیاری وجود دارد که سازمان ملل متحد بایستی برای آنها به عنوان یک نهاد ارگانیک قاعده سازی کند. علاوه از آن جامعه بین المللی برای موفقیت سازمان ملل متحد باید آستین ها را بالا بزند و برای حل معضلات بسیاری که برخی از آنها اصلاً ماهیت نظامی ندارند مانند فقر، گرسنگی، بیماری و اقتصادهای ناپایدار و انفجار جمعیت و توزیع ناعادلانه ثروت بین ملت ها راه حل های منطقی ارائه داده و به مرحله اجرا درآورد. از سوی دیگر تصویب بسیاری از معاهدات و کنوانسیون ها و پروتکل ها، صدور انواع اعلامیه ها و قطعنامه از سوی سازمان ملل متحد حکایت از تلاش مستمر سازمان ملل متحد برای مدیریت دهکده جهانی دارد علاوه از آن در صورت فقدان همکاری بین دولت ها

نمی توان انتظار داشت که سازمان ملل متحد به تنهایی در حل مشکلات کامیاب گردد. وجود تشکیلات گسترده و عریض و طویل موجود در ساختار سازمان ملل متحد حکایت از فعالیت سخت افزاری و نرم افزاری این سازمان برای مدیریت انواع بحران ها است. سازمان ملل متحد موفق شده در طول ۸ دهه گذشته توسل به زور از سوی دولت ها را با شرایط و موانع جدی محدود کند و جنگ را در هر جا که در جریان است خاموش و متوقف سازد. در زمینه خلع سلاح تسلیحات هسته ای، شیمیایی و میکروبی نیز کامیاب بوده و امروزه واژه خلع سلاح برای هر کس در دنیا مفهوم معناداری است و امضای انواع معاهدات و کنوانسیون های ضد تروریستی حکایت از تلاش سازمان ملل متحد برای سرکوب بازیگران جنگ افروز و بحران آفرین در جهان را دارد. در موضوع حقوق بشر نیز سازمان ملل متحد بسیار کارآمد ظاهر شده و با حمایت های بی دریغ خود عامل نجات بسیاری از شهروندان دهکده جهانی از فقر و فلاکت و گرسنگی شده است. سازمان ملل متحد با تلاش های خود باعث افزایش حس مسئولیت پذیری دولت ها شده و امروزه واژه پاسخگو بودن واژه ناآشنایی برای دولت ها نیست. این سازمان در زمینه تثبیت حق تعیین سرنوشت مردم کوشش های بسیاری نموده و امروزه واژه حق تعیین سرنوشت برای همه انسان ها به مفهوم یک حق قابل مطالبه با لحاظ موازین حقوق بین الملل است و به نظر می رسد که سازمان ملل متحد موفق شده پشتیبانی و اعتماد همه دولت ها و ملت ها را جلب کند و در زمینه انجام ماموریت های خرد و کلان خود از حمایت های متفاوت کشورهای عضو برخوردار شود و در عین حال سازمان ملل به آرامی کشورها را به سوی حکمرانی مطلوب هدایت کرده و ارزش حاکمیت قانون را به آنها می شناساند و این همان افق درخشانی است که در مقدمه

منشور سازمان ملل متحد جای گرفته و بشریت به آرامی در حال حرکت به سوی آن است.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظراتی ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظراتی ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظراتی ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

منابع

- زهرانی، [به سفارش] دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
- بیگزاده، ابراهیم، نگرشی بر تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل، در مجموعه مقالات همایش نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران پنجم و ششم دی ماه ۱۳۸۹، چاپ اول، تهران، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۳۹۱.
- دهقانی، غلامحسین، ((تأثیر رای مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری پیرامون تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای بر روند مذاکرات خلع سلاح هسته‌ای))، فصلنامه مطالعات سازمان ملل متحد، سال اول، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۵.
- رستم زاد، حسینقلی، جامعه بین‌المللی و تعهدات بین‌المللی erga omnes، مجله حقوقی، شماره سی و سوم، ۱۳۸۴.
- رستمی، زینب، تحول در پیوند حق تعیین سرنوشت ملت‌ها و شناسایی دولت‌ها، در مجموعه مقالات همایش نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران پنجم و ششم دی ماه ۱۳۸۹، چاپ اول، تهران، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۳۹۱.
- رنجبریان، امیرحسین، مجمع عمومی و حقوق بین‌الملل کیفری، خیلی دور، خیلی نزدیک، در مجموعه مقالات همایش نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران پنجم و ششم دی ماه ۱۳۸۹، چاپ اول، تهران، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۳۹۱.
- زمانی، سید قاسم، چالش‌ها و ابتکارات مجمع عمومی در فرایند تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل، در مجموعه مقالات همایش نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران پنجم و ششم دی ماه ۱۳۸۹، چاپ اول، تهران، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۳۹۱.
- زمانی، سید قاسم، ساعد وکیل، امیر، عسکری، پوریان، نهادها و سازوکارهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۶.
- سازمان ملل متحد. اداره اطلاعات همگانی، سازمان ملل متحد در دنیای امروز، ترجمه علی ایثاری کسمایی [برای] دفتر هماهنگ کننده سازمان ملل متحد در ایران و مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران، چاپ اول، تهران، آبارون، ۱۳۸۸.
- ساعد وکیل، امیر، عسکری، پوریان، نسل سوم حقوق بشر حقوق همبستگی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۳.
- ساکس، جفری دی، پروژه هزاره ملل متحد- ۲۰۰۵ سرمایه گذاری در توسعه: برنامه‌ای عملی برای دستیابی به اهداف توسعه هزاره، ترجمه

- اعلائی، مصطفی، فرایند سیاسی حقوق بشر، در روندهای جدید بین‌المللی، به اهتمام محمد جواد ظریف و مصطفی زهرانی، [به سفارش] دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
- افتخار جهرمی، گودرز، ((حاکمیت دولت‌ها و محدودیت‌های منشور ملل متحد))، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸، ۱۳۷۵.
- امیدی، علی، ((قبض و بسته مفهومی حق تعیین سرنوشت در حقوق بین‌الملل))، مجله حقوقی، شماره سی و پنجم، ۱۳۸۵.
- امینی، اعظم، ((مشروعیت و انصاف در حقوق بین‌الملل از دیدگاه توماس فرانک))، مجله حقوقی بین‌المللی، سال بیست و هفتم، شماره ۴۲، ۱۳۸۹.
- بعیدی نژاد، حمید، دریایی، حسن، علی آبادی، مهدی، تحول در ساختار نظام ملل متحد [به سفارش] دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
- بعیدی نژاد، حمید، روندهای جدید امنیت بین‌المللی و خلع سلاح، در روندهای جدید بین‌المللی به اهتمام محمد جواد ظریف و مصطفی

- گروه مترجمان، سازمان ملل متحد-دفتر هماهنگ کننده مقیم در جمهوری اسلامی ایران با همکاری انتشارات برگ زیتون تهران، ۱۳۸۴.
- شایگان، فریده، نظم نوین اقتصادی بین‌المللی، در مجموعه مقالات همایش نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران پنجم و ششم دی ماه ۱۳۸۹، چاپ اول، تهران، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۳۹۱.
- شهبازی، آرامش، ((توسعه پایدار)) یا ((پایداری توسعه)) در حقوق بین‌الملل، مجله حقوقی بین‌المللی، سال بیست و هفتم، شماره ۴۲، ۱۳۸۹.
- شهبازی، آرامش، ارزیابی کارنامه کمیسیون حقوق بین‌الملل در آینه وحدت و تکثر سیستم حقوق بین‌الملل، در مجموعه مقالات همایش نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران پنجم و ششم دی ماه ۱۳۸۹، چاپ اول، تهران، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۳۹۱.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ هشتاد، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۴۰۲.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، مجمع عمومی سازمان ملل متحد و جهانی شدن حقوق بین‌الملل، در مجموعه مقالات همایش نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران پنجم و ششم دی ماه ۱۳۸۹، چاپ اول، تهران، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۳۹۱.
- عباسقلی زاده بنام، امیر، چالش‌های ساختاری سازمان ملل متحد در هزاره سوم، چاپ اول، تبریز، انتشارات آکادمیک، ۱۴۰۳.
- عبدالمی، محسن، چالش‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تدوین و توسعه حقوق مبارزه با تروریسم بین‌المللی، در مجموعه مقالات همایش نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران پنجم و ششم دی ماه ۱۳۸۹، چاپ اول، تهران، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۳۹۱.
- عزیزی، ستار، نقش مجمع عمومی در تدوین و توسعه حق تعیین سرنوشت، در مجموعه مقالات همایش نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران پنجم و ششم دی ماه ۱۳۸۹، چاپ اول، تهران، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۳۹۱.
- فلسفی، هدایت الله، جایگاه بشر در حقوق بین‌الملل معاصر، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸، ۱۳۷۵.
- فلسفی، هدایت الله، صلح جاویدان و حکومت قانون دیالکتیک همانندی و تفاوت، چاپ اول، تهران، فرهنگ نشر نو با همکاری نشر آسیم، ۱۳۹۰.
- کاظمی، علیرضا، نقش مجمع عمومی ملل متحد در توسعه و تدوین حقوق بشردوستانه بین‌المللی، در مجموعه مقالات همایش نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران پنجم و ششم دی ماه ۱۳۸۹، چاپ اول، تهران، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۳۹۱.
- کمالی نژاد، حسن، بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد: رویکردهای نوین مجمع عمومی ملل متحد، در مجموعه مقالات همایش نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران پنجم و ششم دی ماه ۱۳۸۹، چاپ اول، تهران، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۳۹۱.
- گروه تاریخ دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی و تالیف، تاریخ عمومی نگاهی به تاریخ جهان در قرن بیستم، تهران، شرکت چاپ و نشر ایران، ۱۳۶۷.
- محقق داماد، سید مصطفی، ((تدوین حقوق بشردوستانه بین‌المللی و مفهوم اسلامی آن))، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸، ۱۳۷۵.
- مستقیمی، بهرام، مجمع عمومی ملل متحد و راه‌های مسالمت آمیز حل و فصل اختلافات بین‌المللی، در مجموعه مقالات همایش نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران پنجم و ششم دی ماه ۱۳۸۹، چاپ اول، تهران، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۳۹۱.
- مصفا، نسرين، سیمای پنجین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۱۹۵۲-۱۹۵۱)، در مجموعه مقالات همایش نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران پنجم و ششم دی ماه ۱۳۸۹، چاپ اول، تهران، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۳۹۱.
- ممتاز، جمشید، اعلامیه‌های مجمع عمومی: جلوه‌ای جدید از تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل، در مجموعه مقالات همایش نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران پنجم و ششم دی ماه ۱۳۸۹، چاپ اول، تهران، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ۱۳۹۱.
- موثقی، حسن، حقوق بین‌الملل میان حاکمیت اراده و قانون، چاپ اول، تبریز، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ۱۳۸۹.
- هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، چاپ سوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۳.

- Wallace, Rebecca M.M, international law, fourth edition, Great Britain, Sweet & Maxwell, 2002.
- Schachter, Oscar, United Nations charter, in: Bernhardt (ed.), encyclopedia of public international law, installment 5 (1983).
- Barton, John H, Disarmament, in: R. Bernhardt (ed.), encyclopedia of public international law, installment 9 (1986).
- Forwein, Jochen Abr, United Nations, in Bernhardt (ed.), encyclopedia of public international law, installment 5 (1983).
- Green, N A Maryan, international law pitman publishing, 1987

